

بی اعتبار کردن شئون ملی باعث چیرگی عوامل خارجی می شود

اگر می خواهید با دشمنان ملت بجنگید، باید به
حر به های غیرت قومی و عواطف میهنی مجهز
باشید و حماسه وطنی و سرود ملی را در گوش
سر بازان ایرانی فر و خوانید.

در میان عالمان دین و
متعصبان مذهبی، بسیاری
هستند که به واژه های "وطن"
و "ملیت" چندان بدیده احترام
و علاقه نمینگرند و دل بستگی های
ملی و میهنی را آنگونه که در
خور است تأیید نمیکنند. از
اینان که بگذریم "چپ گرایان"

وهو اداران کمونیسم هم بموجب
اصول ایدئولوژی "پرولتاریائی"
به ملیت و تعلقات میهنی معتقد
نیستند و بنام سعادت خلق ها،
چهار چوب جغرافیائی را هرجا
مقتضی بینندارم به شکستن
میدهند.

بقیه در صفحه ۴

پیام جمهوری ملی

ارگان جبهه ملی ایران

شماره ۲۷ پنجشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۵۹

۴ صفحه ۱۰ ریال

عصر یکشنبه ۲۵ خرداد

دکتر سنجابی بمناسبت زادروز مصدق در جبهه ملی سخن خواهد گفت

در صفحه ۴

وکیل اول تهران درباره سوابق خود پاسخ میدهد

در صفحه ۴

فریاد امام

آیا کسانیکه درخشش آریکه قدرت چشمهایشان را کور
و وطنین ناقوس حکومت و صدارت گوشهایشان را کر
کرده است، فریاد امام را میشنوند!

بالاخره امام هم به فریاد برخاسته است.
امام خمینی که در طول مبارزات سهمگین خود همواره
چون کوه در برابر شادان و ناملایمات به مقاومت می ایستاد
اینک خطر را در روبرو می بیند. خطری که شیرازه مملکت
و فدائاری را بنابودی خواهد سپرد.
سخنانی که امام در جمع استانداران بیان کرد انعکاس
رویدادهای کشور است.

((نگرانی من از داخل خودمان است از دو جهت که
یک جهت سبک است و جهت دیگر سنگین. این جهت
سبک آن کارهایی است که مخالفین با توطئهها و دسته -
بندیهای خود دارند. این چیز مهمی نیست، آنچه مهم
است این ناسازگاریهایی است که در ارگانهای اسلامی است.
بهر کجا بروی با هم توافق ندارند و مرتباً "دعوت به توافق"
میکنند همه، لکن خودشان هم توافق ندارند. این موجب
نگرانی است. برای اینکه این اسباب آن میشود که کشور
بحال نزلت باقی بماند. اگر یک مدت بحال نزلت باقی
بماند آسیب از خوش پیدا میشود و از داخل آسیب می -
بیند و محتاج باین نیست که از خارج بیایند با آسیب برسانند،
ما خودمان بجان هم میافتیم و خودمان را از بین میبریم.))
امام با این بیان صریح خود روشی را که بسیاری از
عناصر صاحب قدرت در مدت پانزده ماه بعد از انقلاب
اعمال کرده اند محکوم میکند.

جبهه ملی نخستین سازمانی بود که خطرات چنین
روشی را گوشزد کرد. ما بارها گفتیم و تکرار کردیم که بعد
از انقلاب تنها وحدت ملی، وحدت و هماهنگی همه قشرهای
جامعه میتواند اثرات و نتایج نابسامانیهای دوران طاغوت
را از میان ببرد و کشور را از دوران وابستگی استعماری به
دوران سازندگی انقلابی رهنمون شود.

ما بارها خواستیم که از هر نوع سخن و اقدامی که
موجب تفرق و جدائی بین گروهها و قشرهای مختلف جامعه
شود خودداری گردد و اگر کسانی برای هماهنگی و همبستگی
کوشی نمیکند و با تمیزات بکنند لاقلاً از ایجاد اختلاف
و دشمنی پرهیز کنند و آنقدر برای تسلط یک قشر بر سایر
قشرهای جامعه کوشش و تلاش و حتی دسیسه و توطئه نکنند.
هیچکس به این فریادها توجه نکرد و کسانیکه برمسند
قدرت ترکانازی میکردند گوش شنوایی برای این فریادها
نداشتند و اکنون که تمام نهادهای قانونی جمهوری اسلامی
در حال تکمیل است امام خمینی از خطر شکست جمهوری
اسلامی صحبت میکند و با صراحت میگوید:

((در هر صورت آنچه موجب نگرانی است آنست که
جمهوری اسلامی شکست میخورد...))
این نگرانی امام را دست کم نگیرید.
وقتی جبهه ملی سرشار از یک دوران تجربه سیاسی
و در دنبال مبارزات عمیق و طولانی ملی علیه استبداد و
استعمار هشدار میداد همه آنرا ناشنیده گرفتند.
وقتی سایر صاحب نظران و گروههای سیاسی و اجتماعی
معتقد با انقلاب فریاد بر میآوردند و خطرات را گوشزد میکردند،
وقتی رئیس جمهوری، بالاترین مقام قانونی منتخب ملت،
بارها و بارها بصدای بلند در مقاله و سرمقاله در رادیو و
تلویزیون خطرات را اعلام میداشت به هیچ بی پنداشتید،
ولی اکنون که امام با صدای رسا خطرات واقعی و اصلی
را بر ملا میسازد، دیگر چه میگوئید، آیا رویه سابق را همچنان
ادامه میدهند. آیا فکر میکنید که جلوگیری از پخش و انتشار
سخنان امام کافی است که این خطرات را تقلیل دهد و مشکلات
را سامان بخشد.
لااقل به امام تمکین کنید و از روش هائیکه جامعه ما و
انقلاب ما را به سقوط و نابودی میسپارد دست بردارید.

باگزینش يك دولت نیرومند ملی کشور را از نابودی نجات دهید

آقای رئیس جمهور

در مصاحبه آقای بنی صدر
با خبرنگار روزنامه اطلاعات
که چهار ماه پس از انتخاب
ایشان بمقام ریاست جمهوری
بجمل آمده است با ناراحتی
شدید درباره عواملی که سبب
نابسامانی کشور شده اند چنین
آمده است:

... فرصت طلبان
نمیگذارند در این مملکت، اصل
بر خدمت و صداقت قرار گیرد.
تحریکات علیه آنها که قصد
خدمت دارند، شدت ادامه
دارد و کلمه سوابق، حربهای
شده است در دست کسانی که
میخواهند راس هرم قدرت را
تسخیر کنند. فرصت طلبان
آینده کشور و انقلاب را با خطری
جدی روبرو ساخته اند...
آنچه که مقام ریاست -
جمهوری بیان داشته اند واقعیت
تلخی است که از ماهها پیش
ما با وجود تمامی خطرهایی که
طرح اینگونه مطالب در فضای موجود
کشور برایمان در برداشته است،
بارها و بارها بیان داشته و
نوشتیم. ما مکرر در مکرر بر
این امر مهم و اساسی تکیه
داشته ایم که نباید اجازه داد
تا آنها بی مسئولیتی بدون ضابطه و با
استفاده از یک سلسله پیش -
آمدها، وابستگیها و رابطهها
یکباره در صحنه ظاهر گشتند
و عمده مراکز حساس را بدون
داشتن صلاحیت لازم و کافی
قبضه ساخته اند، همچنانکه تا
میدان باقی مانده و سودجویانه
و انحصار طلبانه راه را بر تمامی
صاحب نظران و متخصصان سد
سازند و کشور را بیش از پیش
دستخوش بحران سازند. ما
باین نکته مهم اشاره داشتیم
که درباره نهادهای تازه تاسیس
بعد از انقلاب باید مطالعه و
دقت کافی صورت پذیرد، باشد
که لزوم و چگونگی ادامه حیات
آنها در رابطه با دیگر نهادهای
کشور بمنظور جلوگیری از دوباره -
کاریها، درگیریها و تضادها،
آگاهانه و به دور از تعصب مورد
داوری قرار گیرد و روالی اتخاذ
شود که این نهادها وسیله
تحکیم و ادامه یک تازیهایی،
گروه بر قدرت نشستن قرار
نگیرند. این درست است که
در آغاز شکل گیری، کمیتهها
نقش مثبت و ارزنده ای بر عهده
داشته اند ولی در یک جمع بندی
کلی، کارنامه کمیتهها را تا چه
اندازه مثبت میتوان دانست؟
چه تعداد درگیریها و اقدامات

میسر است؟
آیا فعالیت های جهاد -
سازندگی با مرادگذاشتن اقدامات
عمرانی با ستونها و مشارکت
خود مردم در این برنامهها،
در عمل مشکل آفرین نخواهد
بود، و فعالیت های عمرانی را
که باید از نظر برنامه ریزی
و اجراء در یک ستاد مستقر و
بموقع اجرا درآید، و بالاخره
چنانکه جمعی فراوان معتقدند،
خلاف قانون و انصاف و اخلاق
را تاکنون به آن نهانست دادند؟
آیا میتوان همه را ندیده
انگاشت؟ آیا وجود یک شهرداری
مسئول و قابل اعتماد و فعال
با ادامه وضع موجود کمیتهها

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات:

تصمیم های خود سرانه علیه روزنامه ها، روزنامه نگاران را به انزوا و بیکاری کشانده است

علی الاصول خود باید حامی و
نگهبان قانون باشند که عین
عدالت است.
این عمل آنچنان دور
از حقیقت و انصاف است که
وزارت ارشاد ملی با تاکید
آنها کاملاً غیر قانونی شناخته
و به ناشران روزنامه ندای
آزادی ابلاغ کرده است که
امتیازشان کماکان معتبر است
و از نظر این وزارتخانه که
مجری قانون مطبوعات است
انتشار روزنامه مذکور
بلامانع میباشد.
سندیکای نویسندگان
و خبرنگاران مطبوعات تاکید
میکند که در یکسال گذشته
تصمیم های غیر قانونی متعددی
باعث توقف انتشار بسیاری از
مطبوعات حرفه ای، بیکاری
خبرنگاران و گسترش جو فشار و
اختناق در کشور شده است که
بخشی از مبارزه بی امان مردم
با رژیم پیشین در رفع این
محظورها سازمان داده شده
بود. اینک جای خوشحالی
است که مقامات وزارت ارشاد
ملی سرانجام در صدد اعمال
حاکمیت قانون بر مطبوعات
برآمده اند. سندیکای نویسندگان
و خبرنگاران آرزومند است که
تنها قانون و مراجع قانونی
اجازه دخالت در امور مطبوعات
داشته باشند.
سندیکای نویسندگان و
خبرنگاران یکبار دیگر مفاد
قانون اساسی و لایحه قانونی
مطبوعات را به مقامات مسئول
تذکره می کنند.

روز سه شنبه ۲۰ خرداد
(پریروز) پس از ساعت ۹
بعد از ظهر حدود بیست نفر
با یک مینی بوس به محل
تشکیلات مرکزی جبهه ملی
آزاده شده بودند، تظاهراتی
به نفع آقای فخرالدین حجازی
و علیه جبهه ملی برپا شدند.
این عده که بلاکارهای کوچکی
در دست داشتند، با وضع نا -
مناسمی در برابر در ورودی
تشکیلات مرکزی جبهه ملی
شمار میدادند و با رسیدن
افراد جدید به حدود هفتاد
نفر بالغ گردیدند. اینان با
برتاب سنگ و بطری سعی
داشتند به داخل محوطه وارد
شوند.
یک اتومبیل بنز ۲۳۰۰
رنگ به شماره ۶۵۹۲۲ تهران
ط با چهار سرنشین، این
افراد را رهبری میکردند. آنها
پس از نوشتن شعار بر روی در
جبهه ملی، در ساعت ۱۱ و
ده دقیقه محل را ترک کردند.
متصدی تشکیلات جبهه
ملی مراتب را به کمیته (امیر -
آباد) اطلاع میدهد ولی از طرف
کمیته مبرور اقدامی بعمل نمی
آید.
ما امیدواریم این حرکات
با اطلاع آقای فخرالدین حجازی
صورت نگرفته باشد.

آب تهران چیره بندی شد

مدیر عامل سازمان آب
منطقه ای تهران در مورد علل
کمبود آب و قطع آن در بعضی
از مناطق تهران به خبرگزاری
پارس گفت: بالاترین درجه
حرارت و مصرف بیش از حد
آب در تهران و همچنین به
موازات آن استفاده های نا
مشروع و غیر مجاز به کمبود
آب کمک کرده است در نتیجه
مقدار آبی که از منابع سدهای
اطراف تهران و جاهای عمیق
در اختیار آب تهران است
چونگویی مصرف فوق العاده
آب در این شهر نیست و
افزود: متأسفانه مخازن سازمان
آب تهران در شمال شرقی
شده است و با کوشش فوق العاده
ماموران بعضی از مخازن تا
پیشین و بعضی دیگر از دیروز
آشان تامین شده است. مدیر
عامل سازمان آب تهران
تهران گفت مخزن عباس آباد
و فرج شمالی سابق متجاوز از
۴۸ ساعت بود که آب نداشت
و خوشبختانه در این لحظه
آب مخزن عباس آباد تامین
شده و از آن بهره برداری شده
است و افزود: در تهران
پارس و شمال نارمک نیز دچار
کسر آب بودیم که آنهم تا
این لحظه برطرف شد.
باید اضافه کنم تنها
منطقه کوچکی که در حال حاضر
مخزن آن آب ندارد، منطقه
در بند است که آنهم با تانکر
آب در مخزن حصار آب بالا
آمده و ظرف چند ساعت آینده
رفع کمبود خواهد شد.
مدیر عامل سازمان آب
بقیه در صفحه ۴

باجمود فکری و تعصبات قشری انقلاب فرهنگی انجام نمیشود

احمد خلیل اله مقدم

شما برای انقلاب فرهنگی بر نامه ندارید

از این باصلاح انقلاب فرهنگی عاید خلق زحمتکش چین و جاهای دیگر نگردید، جز این که عده‌ای به نواشی رسیدند و مناصبی را اشغال کردند و گروهی از گردونه خارج شدند. بهتر است که در اینجا نخست بدانیم که فرهنگ به چه چیز گفته میشود و منظور از انقلاب فرهنگی یا به بیانی دیگر دگرگونی فرهنگ موجود چیست؟ اگر منظور این است که جلوی سیر کامل فلسفی شیوه‌های دموکراتیک گرفته شود (که چنین حال و هوایی نیز استشمام میشود) با همین طریق و از همین راه که دست اندر کاران انحصارگر کنونی می روند به نتیجه خواهند رسید و دیگر نیازی به این همه سرو صدا داد و قال نیست، زیرا به سهولت میشود جلیوی فرهنگ به مجموعه‌ای از دانش‌ها و عقاید و آداب و رسوم و سنن یک ملت میگویند که این مجموعه را به اجراء در آوردن بخشی از شیوه‌های شتاب زده و متفاوت با حتی متضاد نمی توان از بین برد. حتی برای دگرگونی‌های تدریجی در فرهنگ نیز نمی توان جدا از

بنیادهای دموکراتیک و خواسته های توده مردم گام برداشت. دیدیم که محمد رضا پهلوی سالها با شدت هرچه تمامتر و صرف هزینه‌های زیاد بنام بیگار و جهاد و... در این راهها نتوانست نظر خویش را تحقق بخشد. اگر میشد که با اجرای یک سلسله اعمالی بنام "انقلاب فرهنگی" توده‌ها را بآن راهی که هیئت‌های حاکمه میخواهند رهبری گردان کنون خیلی‌ها این کار را کرده بودند.

بطور کلی مجموعه سنن و آداب و عادات مردم این آب و خاک چیز بدی نیست تا گروهی بر علیه آن به پاخیزند. اما در همین جا باید گفت که برای ترقی و تعالی هرچه بیشتر خلق ستم کش اما قهرمان ما انقلابی اساسی در شیوه‌های کشاورزی و حتی طرز تفکر توده‌ها لازم و ضروری است. و ما در همین نکته حرف داریم. وقتی که ما میخواهیم از راه تعلیم و تربیت در طرز تفکر و احساس توده مردم تاثیر بگذاریم باید نخست آن قسمت از پرورش نادرست همگانی را دریابیم و بفهمیم که کجای دانستی‌های مردم پسندیده نیست و ناآگاهی‌ها و ناپاوری‌ها چرا و چگونه پدید آمده است. مردم ما لافاقل به مدت ۲۵ سال

زیر تاثیر تغذیه کاپیتالیستی قرار داشته است و از معیارهای پسندیده اخلاقی، اسلامی، ملی که از راه اکتساب بدست می‌آید دور مانده است و تنها بنیادهای مثبتی بر عقاید و آداب و عادات گذشته تا حدی به جای مانده است. حال شما میخواهید که این‌ها را نیز از مردم بگیری؟ اگر میخواهید که آن بخش از خصائص ملی و قومی ایرانی را که پسندیده است نگه دارید و تنها به دفع اختلاقی نگه دارید و شیوه‌های ناپسند سالیهای اخیر بپردازید که ضمن تایید و پشتیبانی همه مردم از این نظر به احساسات و اظهارات گوناگون شما چنین چیزی فهمیده نمی شود چرا؟ زیرا برای دگرگونی آن بخش از آموخته‌های ملی و... که حاصل باره آورد بیگانه‌است نیاز به اساسی ترین و لازم ترین مبنای است که آن مبنای دموکراتیک است. در اینجا ناچار گریزی به حکومت دکتر مصدق می‌زنیم هر چند که میدانیم تقریباً همه دست اندرکاران حکومت کنونی که همه آگاهی‌ها و خدمات را از آن خود ساخته‌اند خوششان نمی آید. دکتر مصدق به یاری نسل جوان و ضد امپریالیست زمان خود توانست که یک انقلاب فرهنگی را دور

از هیاهو اما درست و آگاهانه در مسیر مبارزات خلق ایران رهبری کند. درست تر بگوئیم پایه‌های "سیاست فرهنگی" دکتر مصدق تفهیم این امر به توده‌ها بود که باید ملت ایران قاطعانه خود در سرنوشت خود مؤثر باشد و کشور ما به لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی مستقل باشد و روی پای خود بایستد. دکتر مصدق این را به مردم حالی میکرد که "اگر زندگی توام با استقلال نباشد بقدر بشیزی ارزش ندارد" و به مردم فهمانید که برای به دست آوردن استقلال واقعی باید تکلیف امپریالیسم و عمالش را در ایران بکسر کرد و برای این کار تنها و تنها یک حربه اساسی و برنده در اختیار داشت و آن آزادی و دموکراسی بود.

اگر شما میخواهید که فرهنگ این جامعه به نحو پسندیده‌ای زیر رو شود و ایمان به مبادی اخلاقی، دینی، ملی رشد یابد تنها و تنها باید توده‌ها را آگاه کنید و برای آگاهی توده‌ها راهی به جز پذیرش بنیادهای دموکراتیک وجود ندارد. مثلاً "باید مردم به درستی دریابند که چه بر سر خلق کرده است و آتانی که در این میان اعتراض دارند و یا دست به اسلحه میبرند

چه میگویند؟ همین که شما گروهی را ضد انقلاب می‌نامید و ما سخنان آنها را نمی‌شنویم دلیل بر عدم پذیرش بنیادی دموکراتیک است. پس مردم در این گونه شرایط چگونه میتوانند حق را از ناحق باز شناسند و سره را از ناسره تشخیص دهند؟

باید این مردم بفهمند که خلق کرد در چه مرحله‌ای از حرکت فرهنگی قرار دارد و چرا به قول هیئت حاکمه در خدمت ضد انقلاب قرار گرفته اند!!؟ و اگر این مردم نیستند که چنین میکنند پس چه کسانی می‌باشند و این فتره را نباید تنها دولت و هیئت حاکمه بگوید، بلکه باید جامعه بگوید و جامعه بشنود تا از این راه جامعه بیدار شود و جامعه تصمیم بگیرد و رشد یابد و این بشود انقلاب فرهنگی. شما به ظاهر می‌گویند که توده ایرانی باید انقلابی باشد و چنین عمل کند، اما در راهی می‌دوید که سرانجام به آنجا میرسد که این توده ایرانی به جز راه پیمائی کردن و شعار تکرار کردن کار دیگری در دستور زندگی‌اش باقی نماند. ما

از این می‌ترسیم که ارائه فرهنگی شما خلق ما را بی‌نماز از فرهنگ کند و گرفتار "بادیه نشینی و مشغول شیر اندر بادیه" شود و گرنه هیچ عاقلی با انقلاب فرهنگی نمی‌تواند مخالف باشد می‌گویند مادر را دل سوزد، دایه را دامان، من فکر نمی‌کنم که آتانی که گرفتار جود فکری و تعصبات قشری میباشد تا آنجا که حتی می‌گویند به پزشک کاردان و متخصص نیازی نیست دلشان برای این ملت بسوزد.

جان کلام آنکه شما در اجرای "انقلاب فرهنگی" برنامه‌های ندارید و یک "فرهنگی" کامل از گفتار و کردار تان آشکار است. بلکه میخواهید با تربیت نسل جوان بدانگونه که خود میخواهید همین دانش‌ها و آگاهی‌ها را نیز از آنان باز-ستانید تا در آینده معترض و مخالف نداشته باشید و خواستاران اجرای تحقق بنیادهای دموکراتیک از بین بروند، یعنی همان چیزی که پهلوی اندیشه میکرد منتها او به سوی "فاشیسم" غربی روان بود و شما به سوی "دوگمانیسم" می‌دوید. والسلام

چنین بنظر می‌رسد که سیاست (نه شرقی و نه غربی) را برگزیده‌ایم دقیقاً تحت تاثیر سیاست "کلیسیم فرانسه" قرار گرفته‌ایم زیرا بطوری که مشاهده میکنید به هنگام بحث‌ها و میزگردها و... تنها نمایندگان و پیروان هیئت حاکمه و گروه‌هایی‌را که دولت بنام مخالف می‌شناسد بامی پذیرد یا برگزیده است (صرف نظر از یکی دو استثنا) اجازه سخن گفتن و اظهار نظر و خود-نمائی میبایند و ما را که در حزب و جبهه دیگری می‌باشیم از این نطف کلاه می‌پوشاند میان حق نیست.

این روزها گویندگانی که سالها است با افکار و عقایدشان آشنائی داریم و حاصل همان افکار و عقایدشان نیز در این یک سال و اندی کشور را به این روز انداخته است داد سخن میدهند و ارائه طریقی میکنند که انقلاب فرهنگی باید چنین و چنان باشد و یا از دانشگاه یا حوزه علمیه و یا سطوح گسترده تری دنبال شود.

تا آنجا که بنده میدانم انقلاب فرهنگی تنها در دوسه کشور (شرقی و غربی) شروع شده بود که اتفاقاً به نتیجه مطلوب نیز منتهی نشد و چیزی

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در ۱۳ آبانماه گذشته طی یک حرکت ناگهانی سفارت خانه یا لانه جاسوسی آمریکا را بنصف خود در آوردند و اعضای آنرا بگروگان گرفتند. ملت رنج دیده ایران که پس از متجاوز از یک ربع قرن اسارت توسط امپریالیسم آمریکا بودند با یک انقلاب بی سابقه و خونین قیدهای بندگی را از دست و پای خود باز کنند با این حرکت چنان بشوق آمدند که حدی بر آن متصور نبود. امام خمینی در پیامی که بهمین مناسبت خطاب به ایران دانشجویان و ملت ایران فرستادند این حرکت را از انقلاب ۲۲ بهمن ملت ایران بالاتر دانستند. در این جریان مقادیر زیادی از اسناد موجود در لانه جاسوسی بدست خواهران و برادران دانشجویی ما افتاد این حرکت ناگهانی برای کسانی که در زمان حکومت شادروان دکتر محمد مصدق نخست وزیر ملی ایران در جریان مسائل سیاسی بودند یادآور جریان حمله به خانه سدان رئیس تبلیغات و انتشارات شرکت سابق نفت ایران و انگلیس بود.

پس از خلع ید نمایندگان ملت ایران از عمل شرکت سابق نفت، آقای سدان مسئول انتشارات و تبلیغات آن شرکت که در حقیقت مرکز جاسوسی دولت انگلستان در ایران بود احساس خطر کرده که بدست اسناد این جاسوسی بدست ملت ایران بیفتد و راز جانیهای دولت فحیمه و نیز آبادی آن در ایران فاش گردد. بهمین مناسبت طی برنامه ای دقیق کلیه اسناد موجود در آن دفتر را که آن در پاساژ برلیان واقع در خیابان نادری سابق بود به منزل خود واقع در کوچه ابرج - خیابان نوا - اسلطنه

سابق منتقل ساخت با تمام کوششی که در اختفای این امر بعمل آمد گروهی از افراد وطن پرست از جریان مطلع شدند و با تمهید مقدماتی از جمله کسب اجازه از دادستانی

این ساختمان بزرگ ملو از گونیهایی محتوی اسناد و اوراق مختلف بود که بدست آنها افتاد و برای آنکه به بزرگی ساختمان و تعداد اتاقهای آن در نتیجه مقدار اسناد مشکوفه در آن بی برید باید بگوئیم که این خانه پس از تصرف تبدیل به بیمارستان شرکت ملی نفت ایران شد که اگر از خیابان سوم اسفند سابق و کوچه ابرج گذر کرده باشید متوجه آن خواهید شد پس از تصرف خانه، سدان به سفارت انگلیس گریخت آنچه که ماموران این سفارت خواستند اسناد را از جنگ این گروه در آوردند.

اینان حتی نشد. اینان حتی با دکتر مصدق ملاقات و رسماً تقاضای استرداد خانه و اسناد را کردند ولی از آن رهبر ملی ایران نیز پاسخ منفی دریافت کردند. بلافاصله یک گروه ۶ نفری باتفاق دو تن مترجم زبان انگلیسی شروع به تفکیک و خواندن اسناد خانه مزبور نمودند. این کار با چنان سرعت و دقتی انجام شد که توانستند تعداد قابل توجهی سند قطعی و محکوم کننده برای دولت انگلیس و شرکت سابق نفت بدست آورند و در مسافرتی که در همان ماه دکتر محمد مصدق برای پاسخ گویی به شکایت دولت انگلستان با دیوان داوری لاهه گردان اسناد را با خود برد و از عوامل مؤثر در پیروزی ایران در آن دادگاه همین اسناد بود. اینک وضعی کاملاً مشابه ولی انقلابی تر بوجود آمده است. صدها دانشجوی مسلمان پیرو خط امام مقادیر زیادی از اسناد لانه جاسوسی را در اختیار دارند. اعضای کمیسیون بررسی جنایات شاه سابق و آمریکا برای رسیدگی و تحقیق در ایران بودند و وجود اسناد مهم و انکار ناپذیر در رابطه با این بقیه در صفحه ۳

اعتیاد به مواد مخدر از معان شوم استعمارگران

دکتر سید احمد مدنی

بلای جانسون و زانمان برانداز اعتیاد از طریق تریاک خوردن، استعمال گیاهان مخدر نظیر چرس، بنگ، مرغین زنی و شیرمکشی بر جان قربانیانش پنجه میکشد و آنها را بسوی نیستی و تباهی سوق میدهد.

و این ارمغان شوم استعمارگران است که از گذر معناد ساختن طبقات مختلف مردم بویژه جوانها، زنجیر استعمار را بر دست و پای ملل محکم می‌سازند.

در سومین بخش از برگزیده مطالب کتاب "ارمغان شوم" نوشته دکتر سید احمد مدنی، چگونگی ابتلای معاندان به مواد افیونی بررسی میشود.

آلودگان به افیون به پنج رده زیر گرفتار مواد مخدر میشوند:

۱- تریاک خوری: در این رده افراد با چنین روشی آشنا شده است. خوردن تریاک از مقدار خیلی کم آغاز میگردد و سپس بآن افزوده میشود تا آنجا که برخی از معاندان تا دو مثقال در روز میخورند.

۲- تریاک کشی: تریاک کشی عمری کهن ندارد و حدود صدسال است که در ایران رواج گرفته و همگونه که در پیش گذشت دود کشی نخست در آمریکا و بین بومیان آن کشور وجود داشت و پس از کشف دنیای جدید اروپائیهایی ناشایست مزبور را از بومیان آمریکا فرا گرفته و دیگر مردم جهان آموختند.

۳- گیاهان مخدر: چرس، بنگ و دیگر گیاهان مخدر را نیز به روش‌های گوناگون میکشند و تازگی غریبهها پیشرفتهای شایانی در این راه نموده‌اند و بصورت سیگار و غیره جوانان بی خبر و زدهی اجتماع را به چنین سوم کشنده و فتالی که شادی آفرینشان خوانند آلوده و می‌آلایند.

۴- مرغین زنی: مرغین، مرغین و کوکائین واردگان اجتماع خیلی زود

فروشنده و مشتری این کالای بلا خیز خواهند بود و جوانان ساده لوح خیلی آسان به آنها که به مراتب کشنده تر از تریاکند درگیر و اسیر خواهند شد.

بنابراین چنانچه قاچاقچیان چنین سوم فتالی که در شمار بزرگترین دشمنان بشر هستند به شدیدترین گونه در سرتاسر گیتی کيفر داده نشوند و به کيفر اعدام نرسند دیری نخواهد پایید که سنون موجودیت ملل درهم فرو خواهد ریخت.

لذا پیش از آنکه زنگ خطر به صدا در آید و جوانانی که سرمایه پرورند و این سرطان مزمن گلوئی نیز رویاروی چنین تهدیدی قرار گرفته‌اند، بنا بر این بر دولتها و بر خلق جهان است که با تلاشهای بی گیرانه و بسیج نیروهای مردمی اساس مافیا را در پیتهای جهان متلاشی و ریشه کن کنند.

۳- جنایت کاران داخلی این جنایت کاران که درآمد هنگفت ناروا را از راه قاچاق مواد مخدر بدست آورده و شپردگان به تنهایی نمی‌توانند شیره را بکار برند، زیرا تنها کشیدن آن خیلی مشکل است و نیاز به کمک دیگری دارد.

روی همین اصل معاندان به شیره آراد شیره کش خانمها نیکه بیشتر همانند بیخوله‌ها و دخمه‌هایی کثیف، غم‌افزا و نکبت آفرینند و بشر منقط و گمراه بدست خود برای خویشتن تدارک دیده است بکار میبرند.

انگیزه‌های اعتیاد عوامل بیرونی سیاست

فعالیت‌های گسترده «مافیا» برای معناد ساختن جوانان

استعماری دول سودجو. در نخستین بخش این نوشته مشروحا چگونگی بررسی شد. ضمناً باید دانست که سیاست مبور لحظات احتضار خود را که طی میکند و امید می‌رود کم و اوسین دقایق زندگی ویران، گرانتهی خود را نیز بدرود گوید.

۲- سازمان کثیف و جنايتگر مافیا: مافیا همچنان فعالیت خانمانسوز خود را در سطح جهانی بویژه در کشورهای متحده آمریکا دنبال میکند و بر اثر فعالیت‌های ضد بشری این تشکیلات مخوف و اهریمنی‌است که امروز نزدیک به شش در صد دانشجویان دانشگاه‌های آمریکا معناد و اسیر مواد مخدرند و دیگر مردم جهان نیز رویاروی چنین تهدیدی قرار گرفته‌اند، بنا بر این بر دولتها و بر خلق جهان است که با تلاشهای بی گیرانه و بسیج نیروهای مردمی اساس مافیا را در پیتهای جهان متلاشی و ریشه کن کنند.

۳- جنایت کاران داخلی این جنایت کاران که درآمد هنگفت ناروا را از راه قاچاق مواد مخدر بدست آورده و شپردگان به تنهایی نمی‌توانند شیره را بکار برند، زیرا تنها کشیدن آن خیلی مشکل است و نیاز به کمک دیگری دارد.

روی همین اصل معاندان به شیره آراد شیره کش خانمها نیکه بیشتر همانند بیخوله‌ها و دخمه‌هایی کثیف، غم‌افزا و نکبت آفرینند و بشر منقط و گمراه بدست خود برای خویشتن تدارک دیده است بکار میبرند.

۴- ساده لوحی و بی خبری مردمی که با معاندان آمد و رفت دارند، بقیه در صفحه ۳

صاحب امتیاز: دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول: اصغر پارسا
نشانی: خیابان کارگر (سیمتری) نزدیک میدان انقلاب
تلفن: ۹۲۱۲۰۰

خبرهای کوتاه

پوزش از خوانندگان

درباره مقاله مربوط به انتخابات کرمانشاه

در شرحی که راجع به توقف انتخابات کرمانشاه تحت عنوان (انتخابات کرمانشاه را برخلاف قانون متوقف کرده اند) در شماره ۲۶ روزنامه پیام جبهه ملی منتشر گردید، متأسفانه در چاپخانه قسمتهائی از آن جایبجا شده و بصورت نامنظم و نامفهومی درآمده است.

با پوزش از خوانندگان محترم امیدواریم نظرات جبهه ملی راجع به انتخابات کرمانشاه از متن منتشر شده بطور کامل مورد توجه واقع شده باشد و متصدیان و مسئولان امور کشور نیز بیش از این در جلوگیری از اعمال حق مردم کرمانشاه، اهالی یک شهرستان مهم کشور بیش از این عناد نورزند.

بازدید گروهی از اعضاء سازمان زنان

جبهه ملی ایران از شیر خوار گاه

روز سه شنبه ۲۵ خردادماه ۱۳۵۹ گروهی از اعضاء سازمان زنان جبهه ملی ایران از شیرخوارگاه آینه وابسته به سازمان خدمات شهرداری تهران بازدید بعمل آوردند. در این بازدید خانمهای عضو سازمان زنان بعد از معارفه با سازمان کادر تربیتی به دو گروه تقسیم و به بازدید پرداختند و از طرف مسئولان راجع به وضع سازمان تربیتی و وضع نگهداری بچهها توضیحاتی داده شد.

اعضاء سازمان ضمن بازدید مدتی را با علاقمندی به گفتگو با بچهها گذراندند و هدایائی به آنان دادند. مقداری از این هدایا کارهای دستی بانوان و لباسهایی بود که خود آنها دوخته بودند. در پایان قرار بر این شد که گروه امداد سازمان زنان، با واحد مزبور تماس داشته و برای هفتههای بعد برنامههای مناسب جهت بازدید مرتب و دلجوئی از کودکان ترتیب دهند.

گردهم آئی سازمان پزشکان و پیراپزشکان

سومین جلسه گردهم آئی سازمان پزشکان و پیراپزشکان جبهه ملی ایران در روز یکشنبه ۲۵ خردادماه ساعت هشت بعد از ظهر در محل تشکیلات مرکزی تشکیل خواهد یافت. از عموم همفکران محترم تقاضا دارد در این جلسه شرکت فرمایند.

شماره مخصوص پیام جبهه ملی

پیام جبهه ملی شماره آینده که روز یکشنبه ۲۵/۳/۵۹ منتشر می شود، به مناسبت زادروز پیشوای فقید جبهه ملی، حاوی مطالبی پیرامون زندگی سیاسی واجتماعی شادروان دکتر محمد مصدق میباشد. در این شماره عکسهای اختصاصی و منتشر نشدهی همراه زندگینامه کامل دکتر مصدق جمع آوری شده که برای نخستین بار بصورت مجموعی انتشار مییابد.

به مایاری دهید

ادامه انتشار و توسعه فعالیت پیام جبهه ملی در گرو باری کمکهای بزرگ و کوچک تو هموطن گرامی است. دفتر روزنامه و حساب شماره ۳۱۱۴۲۵ بانک تجارت (ایران شهر) شعبه میدان انقلاب اول خیابان آزادی آماده دریافت کمکهای نقدی است. از هموطنان عزیزی که به حساب مزبور کمکهای خود را وارز مینمایند خواهشمند است یک برگ فتوکپی حواله بانکی را به دفتر روزنامه ارسال دارند.

آب تهران جیره بندی شد

منطقه‌های تهران از مسئولین آبی مواجه خواهیم بود چنانچه سازمان و مصرف کنندگان آب کمبود آب همچنان وجود داشته خواست در مصرف آب صرفه جویی کنند در غیر اینصورت جوشی کنند برای قسمتهای بی آب تا پایان تابستان با مشکل کم می فرستیم.

با گزینش يك دولت نیر و مند ملی کشور را از نابودی نجات دهید

مسائل همو همه روشنگرایست که اگر میخواستیم انقلاب را نجات ببخشیم و کشور را از وضع بحرانی کنونی آن بیرون ببریم و حکومت نظم انقلابی و ضابطه قانون را بر آن حاکم بگردانیم، باید به دوران حکومت لجام گسیخته فرصت طلبان و انحصار طلبان پایان بخشیم. باید قبل از آنکه مردم پذیرای چکمه دیکتاتوری شوند که با شعار برقراری نظم و آرامش و رفاه بتواند نظرها را بخود جلب کند، یک حکومت نتوانند ملی مرکب از افراد با صلاحیت،

دکتر سنجابی

بمناسبت زادروز مصدق در جبهه ملی سخن خواهد گفت

ساعت ۶ بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۵ خردادماه در محل تشکیلات مرکزی جبهه ملی واقع در خیابان سی متری کارگر مقابل ستاد زاندارمری بمناسبت زادروز مصدق بزرگ مراسمی برگزار خواهد شد. در این مراسم آقای دکتر کریم سنجابی سخنرانی خواهند کرد. از طبقات مختلف مردم تهران دعوت میکنیم در این مراسم شرکت نمایند.

جبهه ملی ایران

صاحب نظر و معتقد با انقلاب را مستقر ساخت. آقای رئیس جمهوری باید بدانند شرایط چنان نیست که ایشان فرصت بسیاری در پیش داشته باشند و بتوانند با تغییر چند دولت سرانجام به دولت مطلوب و مورد نیاز جامعه برسند. ایشان باید بدانند که نیاز جامعه امروز ایران گزینش دولتی است از میان پرتوان ترین و صادق ترین چهره‌های ملی افرادی که هم از صلاحیت و تخصص و شناخت کافی برخوردار باشند و هم با آگاهی به مسائل

تصمیم‌های خود سرانه...

یادآوری میکند که بموجب هر نوع تخلف مطبوعاتی باید در مراجع صالح و با حضور هیات منصفه داوری شود. سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات توجه مقامات وزارت ارشاد ملی و دیگر مراجع صالح رابه تمام تصمیم‌های خود سرانه‌ای که در سال گذشته علیه روزنامه‌ها گرفته شده است و گروه کثیری از روزنامه نگاران را به انزوا و بیگاری کشانده جلب میکند و رفع تمامی مخطوبات در راه ایجاد و انتشار مطبوعات راستین را که شایسته مردم مبارز و انقلابی ایران باشد خواستار است.

سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات همچنین

توجه نمیکند. شما در فکر آن نباشید که در گزینش

نخست وزیر و هیات دولت چنان عمل کنید که خواست و نظر فرصت طلبان و انحصار طلبان را مراعات کرده باشید. شما چه فردی از این گروه وجه فرد غیر قاطع دیگری را که از توان و شهامت لازم برخوردار نباشد به نخست وزیر برگزینید، هیچ چیز احوال نکرده‌اید، بلکه آخرین امیدها را نیز از مردم گرفته‌اید.

راه نجات قاطعیت است

و پس، چهره‌های پرتوان و آگاه ملی را فراخوانید و سگان کشتی طوفان زده را با آنها بسپارید و بخوانید که در کوتاهترین فرصت ممکن برنامه لازم را تهیه و بملت عرضه بدارند، مطمئن باشید مردم چنین دولتی را تایید خواهند کرد و مجلس نیز اگر خود را انتخاب شده از سوی مردم بداند، از آن پشتیبانی خواهد کرد. آقای رئیس جمهوری خطر کنید و با گزینش یک دولت نیرومند صاحب برنامه، مردم را امیدوار و کشور را نجات دهید.

دکتر پرویز ورجاوند

بی اعتبار کردن شهون ملی باعث چیرگی عوامل خارجی می شود

فرهنگ و تجلیات فکری انسانی را در پشت سر داریم و وارث گنجینه‌های بزرگی از معرفت و ادب و هنر میباشیم. باری اگر تعارضی بین کلمات (ملی و اسلامی) بخاطر بعضی رسیده است و همی و خیالی ست و با عنایت باینکه یکی از عناصر سازنده ملیت ایرانی دین اسلام و مذهب تشیع است و قسمت اعظم ما اثر ملی و مفاخر فرهنگی و علمی ما را آثار ایرانی بعد از اسلام تشکیل میدهد، تصور چنین تعارضی بی مورد و ناهجاست.

در اینجا همه کشورهای اسلام سخن نمیگویم. بیایید تنها به ممالک عربی نظر افکنیم تا ببینیم در حال حاضر چند ملت عربی زبان مسلمان وجود دارند که خود را از لحاظ نژاد و زبان، عرب می‌شمارند و در عین حال کشوری با نام خاص و مرزهای معین دارند و در برابر هم از علائق ملی دم میزنند و بموقع در حقیقت مرزهای خود باستاندگی میکنند و اگر دستشان برسد از حدود جغرافیائی خود هم فراتر نهاده مرزهای یکدیگر تجاوز مینمایند.

پس در چنین روزگاری آید درست است که ما ایرانیان با برخورداری از یک ملیت متمایز و یک گذشته افتخار آمیز و یک فرهنگ شکوهمند، دلبستگی‌های خود را نسبت به شاعر ملی فراموش کنیم و بحکم آنکه مسلمانیم از هر چه جنبه ملی دارد روی برتابیم چنانکه به نیمی از تاریخ خود بی اعتنا و به پرچم خویش بی علاقه و به زبان و آداب و سنن و فرهنگ قومی و آثار باستانی خود بی التفات گردیم؟ در حالیکه این استیسی ها ذراهی از علائق اسلامی مانعی گاه بلکه آثر استوارتر میسازد. آیا صحیح است که در دورانی که برخی از همسایگان اسلامی ما به انواع کارشکنی بر ضد انقلاب ما و تمامیت کشورمان نقشه‌های شوم میکشند و بداندیشی‌های خود را عملاً

و همه اقوام و ملل را زیر پرچم "لا اله الا الله" فرا خوانند، بدون اینکه هیچ نژاد و قومی را فروتر یا فراتر از دیگران بشناسد و تعصبات وطنی را آنجا که محل پیشرفت اسلام ببیند نفی نماید، اما در اینجا سخنی که هست در این است که:

اولاً امروز تعصب افراطی در زمینه ملیت و نژاد و مفاخرت‌های قومی یا شوبینسم در حدی که به مرتی طلبی‌های خود سرانه و توسعه جوشی و دست اندازی بحقوق دیگر ملت‌ها و کشورهای بی‌نامد معقول و پسندیده نمیباشد ولی علائق میهنی در دفاع از حقوق ملی و پاسداری از مرزها و تمامیت ارضی کشور و حفظ میراث‌های باستانی نمیباشد است بلکه بر فرد فرد ملت واجب عینی ست.

ثانیاً مدینه فاضله‌ای که در آن همه خواست‌های "اسلام" جامع‌حقیق پوشیده و گسترده‌ی پهنای او در جهان بشریت در بر گرفته باشد، متأسفانه تاکنون بطور نرسیده است تا در آنجا یکی از خواست‌های تحقق یافته، نفی مرزها و مبارزه با تعصبات ملی باشد هر چند که در آن مدینه فاضله نیز چنین نیست که اقوام و ملت‌ها از شخصیات قومی خود چشم ببوشند و یکی از وابستگی‌های ملی خویش دل برکنند چنانکه حدیث شریف نبوی گوید این مطلب است که "حب الوطن من الایمان" پس با این ترتیب در اوضاع و احوالی که همه ملت‌های روی زمین و بی‌گنجهای ملی و تاریخی و حیثیات قومی خویش را بسی گرامی میدانند و نسبت به میهن و آثار خود مهر میورزند و برای نشان دادن پیشبندی شکوهمندی از خویش دستاویز می‌تراشند ما هرگز نمیتوانیم در بنمورد بی اعتنا باشیم بیوند دلبستگی خود را با روزگاران کهن و مفاخر ملی استوار نسازیم خاصه اینکه سابقه درخشانی از تمدن و

نکته‌ها

مرگ بر کار تر

از: فشندی
به شخصی که سخت علاقمند و معتاد به سیگار و بیستون بود گفتم بلند بگو مرگ بر کار تر. گفت: دوست عزیز حاضرم بجای یک بار صد بار بگویم مرگ بر کار تر، چون بیانش ادا حق است و لا غیر، لکن تجربه نشان داده هر بار که این مطلب را گفتم قاچاقچیان و دلالان فرصت طلب سیگار و بیستون ۴ تومانی را ۲ تومان اضافه کردند تا حالا که قیمت آن به ۲۰ تومان رسیده است.

دانشجوی بی خاصیت

این روزها همگی از هر صنف و طبقه‌ای از کله‌یز گرفته تا شاگرد قهوه‌چی و سلاخ و گرد فرصت و قدرت اظهار وجود و عرض اندام در داخل دانشگاه را دارند جز آنکس که باید داشته باشد یعنی دانشجو.

درك مصدق

بین جبهه ملی و بعضی دستجات بظاهر طرفدار مصدق و راهش بر سر تاریخ تولد این ابرمرد اختلاف افتاده و دیدم جبهه ملی ایران بامدارک مستدل و کافی از قبیل تبدیل صحیح سال قمری به هجری و استناد به نظر خانواده‌اش تاریخ تولد مقرون به یقین دکتر مصدق را اعلام نمود. این اختلاف نظر براحقی میتواند نمایانگر میزان اختلاف بین دسته‌های بظاهر طرفدار مصدق و جبهه ملی ایران از درک مصدق و واقعیت‌های مربوط به این زعیم باشد.

کمک انتخاباتی

در جاتی خواندم ایران به انجام انتخابات و در تدوین قانون اساسی پاکستان کمک میکند، تا که این ضرب المثل به ذهنم خطور کرد "کل اگر طیب بودی سر خود دوا نمودی"

راننده تاکسی

مخترع وقتی ماجرای آن مهندسی که در رشته متالژی فارغ التحصیل گردیده و از فرط بیگاری اینک به رانندگی تاکسی اشتغال میورزد و تحت تاثیر مشکلات کاری و گرمادگی موفق به اختراع کولر آبی برای تاکسی‌ها شده را در روزنامه خواندم در این فکر فرو رفتم آنچه که در این قضیه باید مورد توجه قرار گیرد اختراع این شخص است با اتلاف ۲۰ سال از بهترین زمان زندگیش که صرف تحصیلات خود نموده و حالا بکاری مشغول شده که یک بی سواد با انجام آن قادر است.